

تحلیل چالش‌های جریمه تأخیر تأدیه در بانکداری بدون ربا و ارائه راهکار جایگزین

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۴/۱۴ تاریخ تأیید: ۱۳۹۴/۸/۱۶

وهاب قلیچ*
فرشته ملاکریمی**

چکیده

دریافت جریمه دیرکرد بازپرداخت تسهیلات بانکی از جمله بحث‌های چالشی و مورد نقد نظام بانکداری بدون ربا در ایران است. چالش‌های فقهی، حقوقی و اقتصادی فراوانی که درباره این مسئله وجود دارد ضرورت ارائه راهکارهای جایگزین را د چندان می‌کند.

پرسش اصلی مقاله این است که آیا می‌توان با استفاده از ظرفیت‌های موجود در فقه به راهکاری دست یافت که ضمن حل معضل مطالبه‌های معوق و داشتن کارایی مناسب، شبهه شرعی نداشته باشد؟ مقاله پیش رو درصدد است با استفاده از روش تحلیلی و توصیفی و با استفاده از منابع فقه امامیه به بررسی این فرضیه بپردازد که راهکار ترکیبی جایزه خوش‌حسابی و اعمال تعزیرات قانونی، بسته سیاستی مناسبی برای حل معضل مطالبه‌های معوق است. این بسته با به کارگیری از دو ابزار تشویقی و تنبیهی به‌طور موازی و همچنین استفاده مناسب از سامانه اطلاعاتی سوابق تسهیلاتی نظام بانکی می‌تواند جایگزین مناسبی برای جریمه تأخیر تأدیه باشد؛ به‌طوری که ضمن داشتن مزیت‌های راهکارهای پیشین، دشواری‌ها و چالش‌های آنها را نیز به کمترین حد برساند.

واژگان کلیدی: مطالبه‌های بانکی، جریمه تأخیر تأدیه، تعزیر، بانکداری اسلامی.

طبقه‌بندی JEL: G21, G28, K12, K35

* استادیار گروه بانکداری اسلامی پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی

Email: vahabghelich@gmail.com.

ج.ا.ا.

Email: f.mollakarimi@gmail.com.

** کارشناس پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی ج.ا.ا.

مقدمه

یکی از چالش‌های امروز مؤسسه‌های اعتباری کشور، پیدایش مطالبه‌های معوق است؛ پدیده‌ای که از دغدغه‌های مهم اقتصاد شده و اثر ناخوشایندی در چرخه منابع و مصارف نظام بانکی بر جای گذاشته است. این اثرهای نامطلوب در دو حیطة درون بانکی و فرابانکی قابل رویت هستند. در حیطة درون بانکی، افزایش هزینه‌های عملیاتی و میزان سودآوری، محدودیت در ارائه خدمات بیشتر به مشتریان، محدودیت در ایفای حقوق و مزایای کارکنان و کاهش محسوس شاخص‌های کیفی ارائه خدمات بانکی از جمله این اثرها ناخوشایند هستند. اما این نوع اثرها از نظر فرابانکی در مسایلی مانند سنگینی چرخش نقدینگی در اقتصاد کشور، عدم اختصاص بهینه منابع به بخش تولید و صنعت، پدید آمدن وقفه در فراهم ساختن اشتغال و سرانجام بروز و ماندگاری رکود اقتصادی خود را نمایان می‌سازد. اما علل تاخیر در ادای بدهی‌ها و تعهدها از سوی بدهکاران نظام بانکی عبارت است از اعسار و ناتوانی، سهل‌انگاری، تخلف به منظور استفاده بیشتر از منابع و کسب سود بالاتر، طولانی شدن روند به ثمر رسیدن پروژه‌های اقتصادی و تعویق افتادن بازدهی طرح‌ها، بدقولی و عدم ادای بدهی افرادی که به فرد بدهکار از نظام بانکی بدهکار هستند، تغییرهای ناگهانی شرایط تجاری، اقتصادی، قانونی و سیاسی که همگی باعث تأخیر در بازپرداخت مطالبه‌های بانکی هستند.

به کارگیری راهکار دریافت جریمه دیرکرد بر مبنای شرط ضمن عقد درباره حل معضل مطالبه‌های معوق از جمله بحث‌های جنجالی در دوران پس از انقلاب شمرده می‌شود که امروزه بیش از هر زمان دیگر انتقاد شده است. گرفتن این جریمه از لحاظ فقهی مورد مناقشه است و از لحاظ کارامدی و اقتصادی روش مطلوبی برای کاهش معضلات مطالبه‌های معوق در کشور نیست (شعبانی و جلالی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۵)؛ از این رو با وجود اظهارنظرها و بحث‌های فراوان فقهی، حقوقی و اقتصادی کارشناسان و خبرگان درباره این موضوع، باید اعتراف کرد هنوز این امر قابل مناقشه و ابهام است و راهکاری که از لحاظ فقهی و اقتصادی و کارامدی مورد قبول باشد ارائه نشده است.

مقاله پیش رو که به روش تحلیلی و توصیفی و با استفاده از منابع فقه امامیه، تهیه شده است؛ پس از بیان پیشینه تحقیق، وضعیت آماری مطالبه‌های غیرجاری در ایران را بررسی

می‌کند؛ سپس در ادامه، توجیه‌ها و ادله فقهی دریافت این جریمه بررسی شده و در بخش پایانی به ارائه راهکار پیشنهادی برای رفع این مشکل خواهد پرداخت. با توجه به نوین‌بودن راهکار پیشنهادی که افزون بر مزیت‌های راهکارهای گذشته نقاط ضعف کمتری دارد، می‌توان اذعان داشت که پژوهش پیش رو نسبت به تحقیق‌های مشابه خود نوآوری و ارزش افزوده دارد.

پیشینه تحقیق

مرتضی عادل (۱۳۸۰) در مقاله‌ای با عنوان «توافق بر خسارت در قراردادهای» بیان می‌کند پرداخت خسارت تأخیر یا به وسیله ضرر زنده است که از آن به شرط وجه التزام یاد می‌شود یا به وسیله شخص ثالث که از آن به بیمه یاد می‌شود. وی در مقاله خود کوشیده که با عنایت به اصل آزادی اراده و قراردادهای، به قوانین و مقررات و مبنای فقهی آن نگرسته و حداکثر حمایت توافق طرفین را حاصل کند.

مجید رضایی (۱۳۸۱) در مقاله «بررسی فقهی - حقوقی جریمه تأخیر» اثبات می‌کند راه‌حل‌های ارائه‌شده برای گرفتن جریمه تأخیر مانند جرم‌بودن تأخیر و تعزیر مالی، جریمه تأخیر در برابر تورم، جریمه برای ضرر واردآمده و جواز گرفتن جریمه به علت تعهد پرداخت به صورت شرط از نظر فقهی قابل دفاع نیست و باید مشکل را با استفاده از شیوه‌های دیگری مانند شیوه‌های تنبیهی، تشویقی و تبدیل اقساط به خرید سهام حل کرد.

سیدمحمد موسوی بجنوردی (۱۳۸۲) در مقاله «مشروعیت خسارت تأخیر تأدیه» ضمن اشاره به این نکته که خسارت مورد بحث در ماهیت عوض اضافی در برابر اصل دین نیست بلکه جبران خسارت زیان‌هایی است که به سبب تخلف مدیون در ادای دین بر دائن وارد شده با استناد به قواعد ضمان قهری و عموم قاعده «المسلمون عند شروطهم» مطالبه خسارت را مشروع می‌داند.

سیدحسن وحدتی شبیری (۱۳۸۲) در مقاله «مطالعه تطبیقی خسارت تأخیر تأدیه در حقوق ایران و فقه امامیه» نتیجه گرفته است که خسارت تأخیر تأدیه می‌تواند با استفاده از نهاد «شرط ضمن عقد» وجهه شرعی بیابد و در صورتی که کاهش ارزش پول، بیش از

اندازه متعارف و مدیون نیز در سررسید از ادای دین متمکن باشد، بدون نیاز به شرط ضمن عقد، قابل مطالبه است.

سیدعباس موسویان (۱۳۸۴) در مقاله «بررسی فقهی - حقوقی قوانین جریمه و خسارت تأخیر تأدیه در ایران» با بررسی سیر تحول‌های قوانین مرتبط با جریمه تأخیر نشان می‌دهد که دیدگاه شورای نگهبان مبنی بر تفاوت ماهوی بین جریمه تأخیر و ربا قابل دفاع است. همچنین مجوز شورای نگهبان را مبنی بر جواز دریافت بهره و جریمه تأخیر تأدیه از خارجیان غیرمسلمان مبتنی بر استثنای حرمت ربا بین مسلمان و کافر معرفی می‌کند.

وی (۱۳۸۵) در مقاله دیگری با عنوان «بررسی راهکارهای حل مشکل تأخیر تأدیه در بانک‌های بدون ربا» با مطالعه علل و عوامل تأخیر و اثرهای اقتصادی و اجتماعی آن معیارهایی برای ارزیابی راهکارها ارائه کرده؛ سپس با استفاده از آن معیارها به نقد و بررسی راهکارهای پیشنهادی پرداخته و در پایان به این نتیجه می‌رسد که برخی از راهکارها مشکل فقهی دارند و برخی ناکارآمد هستند. وی سرانجام به این نتیجه می‌رسد که هنوز راه‌حلی که در عین مشروعیت کارایی مناسب نیز داشته باشد ارائه نشده است و جا دارد با توجه به آموزه‌های دینی و کارشناسی راه‌حل‌های بهتری پیشنهاد شود.

غلامرضا مصباحی‌مقدم و حسن جلالی (۱۳۸۷) در مقاله «کاوشی در حکم فقهی شرط‌های جزایی و تهدیدی در جریمه تأخیر در نظام بانکداری بدون ربا» موضوع دریافت خسارت و جریمه تأخیر را از نظر فقهی بررسی می‌کنند. بر اساس نتیجه‌های این تحقیق، خسارت تأخیر از منافع غیر مستوفات است. ادله غضب، علی‌البدل، لاضرر و اتلاف هر کدام قابلیت دارد که مستند ضمان چنین منافع غیر مستوفات محقق‌الوصول قرار گیرد. درباره خسارت تأخیر با مراجعه به اهل خبره مسلم شده است این گروه در ضمان خسارت تأخیر و منافع محقق‌الوصول شک و تردید نمی‌کنند.

محمدرسول آهنگران و فرشته ملاکریمی (۱۳۸۹) در مقاله «بررسی فقهی و حقوقی وجه التزام بانکی» ضمن بررسی ادله موافقان و مخالفان دریافت جریمه دیرکرد از مشتریان متخلف بیان می‌کنند که عملکرد بانک‌ها در دریافت جریمه دیرکرد مصداق ربای جاهلی است، چرا که مبلغ جریمه دیرکرد در ازای امهال به مدیون دریافت می‌شود. در حقیقت بانک با گنجاندن شرط جریمه، موضوع و سرچشمه قرارداد را تخییر مشتری در پرداخت

به موقع یا تأدیه اصل دین به اضافه جریمه در موعدی دیرتر از سررسید قرار می‌دهد. آنان به این نکته اشاره دارند که اشتراط جریمه دیرکرد به صورت شرط فعل، ضمان‌آور نیست و نمی‌توان به استناد به چنین شرطی بدهکار را به پرداخت جریمه دیرکرد مجبور کرد.

سیدعباس موسویان و روح‌الله غلامی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «راهکارهای استمهال مطالبه‌های غیرجاری در بانکداری بدون ربا»، ضمن نقد و بررسی روش‌های استمهال کنونی، راهکار مشارکت مدنی کاهنده را برای عملیاتی کردن استمهال مطالبه‌های غیرجاری نظام بانکی ارائه می‌کند. مشتری در قالب عقد مشارکت مدنی کاهنده یکی از دارایی‌های سرمایه‌ای خود را با بانک به مشارکت گذاشته با این شرط که؛ اولاً، در دوران مشارکت در برابر استفاده از سهم‌الشرکه بانک، اجاره‌بهای دارایی را پرداخت کند؛ ثانیاً، به صورت تدریجی سهم بانک را بخرد.

فرشته ملاکریمی (۱۳۹۴) در مقاله «بررسی روش‌های حل معضل تأخیر تأدیه در نظام بانکداری بدون ربا» با تکیه بر تجارب بانک‌های اسلامی» به معرفی روش‌هایی درباره مطالبه‌های معوق می‌پردازد که در کشورهای اسلامی استفاده می‌شود و امکان استفاده از این راهکارها را به موافقت آن با ضوابط فقه امامیه منوط می‌داند. روش‌هایی مانند دریافت خسارت و تعزیر مالی که امری قضایی است، اجماع فقیهان را ندارد. بر اساس نتیجه‌های این تحقیق درباره مطالبه‌های معوق می‌توان به صورت موازی و ترکیبی از روش‌های تشویقی و تنبیهی مانند جایزه خوش‌حسابی، وجه التزام ابتدایی در قالب عقد صلح و اضافه‌کردن وجه التزام به سود معامله از ابتدا استفاده کرد. مجموعه این روش‌ها در کنار اعتبارسنجی مناسب می‌تواند نظام بانکی را در حل این معضل یاری کند.

وهاب قلیچ (۱۳۹۴) در مقاله «راهکاری نوین برای رفع چالش تأخیر تأدیه در بانکداری بدون ربا» پس از مرور راهکارهای ارائه‌شده و ادله فقهی آنها، راهکاری نوین بر پایه تأسیس نهادی به نام «صندوق تخصصی تسهیلات و وصول مطالبات» ارائه کرده، بیان می‌دارد که در مواقعی که بدهکاران با تأخیر مطالبه‌های بانکی را تأدیه می‌کنند، جریمه دیرکرد بنا بر حکم تعزیر متخلف از آنان دریافت شده و به صندوق دولتی به نام «صندوق تخصصی تسهیلات و وصول مطالبات» واریز شود. در این راهکار صندوق از طرف بانک‌های طلبکار وکیل در وصول اصل بدهی و از طرف دولت وکیل در وصول

جریمه‌های نقدی دیرکرد می‌شود. صندوق مجاز است بابت این کار حق‌الوکاله دریافت کند.

وضعیت مطالبه‌های غیرجاری در ایران

جدول یک نشان می‌دهد که از سال ۱۳۸۶ تاکنون هر ساله حجم مطالبه‌های غیرجاری نظام بانکی با نرخ رشدهای قابل توجهی در حال افزایش بوده است؛ به طوری که فقط در سال ۱۳۹۲ رشد مطالبه‌های غیرجاری نسبت به سال پیش حدود ۲۹ درصد بوده است. حجم بالای مطالبه‌های مشکوک‌الوصول نیز نشانگر آن است که احتمال نقدشدن این بخش از دارایی‌های بانک در مواقع نیاز اندک بوده و لازم است سیاست‌گذار برای این مسئله تدبیری بیاندیشد.

جدول ۱: وضعیت مطالبه‌های غیرجاری در نظام بانکی ۹۲-۱۳۸۵ (میلیارد ریال).

درصد تغییرها	کل	مطالبه‌های غیرجاری			عملکرد نظام بانکی کشور
		مطالبه‌های مشکوک‌الوصول	مطالبه‌های معوق	مطالبه‌های سررسید گذشته	
-	۱۶۰۱۸۸	۴۱۰۱۸	۷۵۳۷۷	۴۳۷۹۴	۱۳۸۵
۷۲	۲۶۳۹۵۶	۹۴۵۷۲	۱۰۶۴۳۱	۶۲۹۵۴	۱۳۸۶
۱۵	۳۰۲۸۷۷	۱۴۳۱۵۸	۹۴۹۱۴	۶۴۸۰۵	۱۳۸۷
۲۴	۳۷۵۱۸۱	۱۸۱۷۰۸	۱۰۷۸۵۳	۸۵۶۲۰	۱۳۸۸
۱۱	۴۱۸۱۷۸	۲۱۷۱۷۰	۱۱۶۵۲۲	۸۴۴۸۶	۱۳۸۹
۴۲	۵۹۴۷۲۶	۳۰۲۳۷۰	۱۵۲۸۷۹	۱۳۹۴۷۷	۱۳۹۰
۱۰	۶۲۳۱۶۵	۳۵۴۵۶۱	۱۵۴۲۵۰	۱۱۴۳۵۵	۱۳۹۱
۲۹	۸۰۲۵۸۴	۵۰۰۳۱۰	۱۴۶۷۲۸	۱۵۵۵۴۶	۱۳۹۲

منبع: گزارش عملکرد بانک‌های کشور در سال ۱۳۹۲، مؤسسه عالی بانکداری ایران.

به‌طور کلی نسبت مطالبه‌های غیرجاری بانکی به کل تسهیلات اعطایی، میزان ریسک بانک‌ها در اعطای تسهیلات را اندازه‌گیری می‌کند. بدیهی است هر چه این رقم کاهش یابد، کارایی بانک‌ها در تأمین منابع مالی تولید کشور بهتر خواهد شد. بر اساس استانداردها

و عرف بین‌المللی نسبت مطالبه‌های غیرجاری باید بین ۲ - ۵ درصد تسهیلات اعطایی باشد و معوقه‌های بیش از پنج درصد تسهیلات بانکی به عنوان ریسک پرخطر شمرده می‌شود؛ این در حالی است که نسبت پیش گفته در ایران همواره از سطح بین‌المللی بیشتر و در مرحله ریسک‌پذیری بالایی قرار دارد.

بررسی راه‌حل‌های پیشنهادشده در بانکداری بدون ربا

الف) وثیقه و ضمانت

دریافت وثیقه و ضمانت اگر چه از جهت شرعی صحیح و مورد تأیید فتوای فقیهان بزرگوار است؛ اما استفاده از این روش برای حل مشکل تأخیر تأدیه یعنی جایی که بدهکار پرداخت یک یا چند قسط را برای مدت یک یا چند ماه به صورت موردی یا تکراری به تأخیر می‌اندازد، دشواری‌های فراوانی مانند افزایش هزینه‌های وصول مطالبه‌ها، کاهش تسهیلات و پدید آمدن شکاف مالی، عدم جبران خسارت طلبکار و عدم تفکیک بین عوامل تأخیر را به همراه خواهد داشت (موسویان، ۱۳۸۵، ص ۱۱۳).

به جهت این دشواری‌ها بسیاری از بانک‌ها و مؤسسه‌های استفاده از روش جریمه تأخیر تأدیه را ترجیح می‌دهند؛ زیرا این روش به جهت عدم نیاز به محاکم قضایی و محاسبه‌های پیچیده مالی کارایی بهتری دارد و هزینه و زمان کمتری را از بانک‌ها می‌گیرد؛ از این‌رو بانک‌ها با اشتراط جریمه دیرکرد در ضمن قراردادهای خود در الزام مشتریان به ایفای به موقع تعهداتشان می‌کوشند. (همان)؛ اما به نظر می‌رسد این راه‌کار به رغم دشواری‌های فقهی و عملیاتی نتوانسته به خوبی از مطالبه‌های معوق جلوگیری کند.

ب) خسارت تأخیر

برخی کارشناسان لزوم جبران خسارت وارده بر طلبکاران را برای جواز دریافت جریمه تأخیر تأدیه، مطرح کرده‌اند. آنان باور دارند طلبکار حق دارد خسارت‌های وارد از ناحیه تأخیر تأدیه به ویژه خسارت ناشی از کاهش ارزش پول را از تأخیرکننده دریافت کند؛ اما این راه‌کار با دشواری‌هایی همراه است:

اولاً، این راهکار از جهت فقهی محل بحث است. گروهی از فقیهان به عدم مشروعیت ضمان کاهش ارزش پول به صورت مطلق حکم داده‌اند؛ یعنی چه پرداخت بدهی به موقع باشد و چه با تأخیر انجام شود اگر پدیده کاهش ارزش پول اتفاق افتد، مدیون به پرداخت مبلغ اسمی بدهی مؤظف است و جبران کاهش ارزش پول بر وی لازم نیست. آنان در حکم به عدم جواز به دلایلی مانند مثلی بودن پول و شبهه ربا استناد کرده‌اند.

در برابر گروه اول، برخی از فقیهان باور دارند اگر در شرایط تورمی ارزش پول با کاهش روبه‌رو شود، جبران آن بر عهده مدیون است. آنان باور دارند آنچه در پول امروزی اعتبار دارد، مالیت، ارزش و قدرت خرید آن است؛ بنابراین آنچه در ادای دین باید مراعات شود، پرداخت پول به همان میزان قدرت خرید است. در حکم به عدم ضمان کاهش ارزش پول دلایل دیگری مانند لزوم ادای کامل بدهی، لزوم جبران ضرر طلبکار و لزوم تدارک اتلاف مالیت مطرح شده است. در حقیقت در صورتی که قدرت خرید پول کاهش یابد به همان میزان مالیت پول هم تلف می‌شود و منجر به ورود ضرر به داین می‌شود؛ بنابراین بر مدیون واجب است که با تدارک این اتلاف مالیت، ضرر وارده را جبران کند و به این وسیله دین خود را به‌طور کامل ادا کند؛ بنابراین دیدگاه در فرضی که ارزش پول به‌صورت فاحش و غیرمتعارف کاهش یابد، به‌گونه‌ای که عرف نتواند به‌صورت مسامحه آن را نادیده بگیرد، جبران کاهش ارزش پول قوت بیشتری می‌یابد.

برای دریافت خسارت تأخیر تأدیه به مبنای «خسارت عدم‌المنفع» نیز تمسک می‌شود. توضیح آنکه تأخیر بدهکار در پرداخت به موقع بدهی، ممکن است باعث ورود خسارت‌هایی به طلبکار شود مانند از دست دادن منافی که بر اثر جریان پول مورد تعهد، می‌توانسته نصیب وی شود و از آن به عدم‌المنفع تعبیر می‌شود. با این وجود طلبکار حق مطالبه مبلغی از بدهکار به عنوان خسارت عدم‌المنفع ناشی از تأخیر تأدیه را ندارد؛ زیرا از نظر مشهور فقیهان این منافع تفویض شده و خسارت ناشی از آن ضرر شمرده نمی‌شود؛ بنابراین جبران آن بر بدهکار واجب نیست و چنانکه وجهی به خسارت عدم‌المنفع دریافت شود، ربا و حرام است (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۲، ص ۱۵).

ثانیاً، در صورتی که بدهکار بتواند از بدهی‌های پیش گفته بیشتر از نرخ تورم برای خود درآمدزایی داشته باشد، به‌طور حتم به تأخیر تأدیه بدهی‌های خود ادامه خواهد داد. این اتفاق با غرض و هدف اصلی جریمه که اهرم بازدارنده است در تناقض است.

ثالثاً بخشی از مطالبه‌ها، مربوط به مطالبه‌های جاری است که از سررسید آنها دو ماه نگذشته باشد. گرچه از تاریخ سررسید این مطالبه‌ها مدت زمان فراوانی نمی‌گذرد اما در بُعد کلان افزایش این مطالبه‌ها، افزون بر آنکه بانک‌ها را از استفاده بردن از وجوه تأخیری منع می‌کند آنان را با دشواری‌های برنامه‌ریزی نیز روبه‌رو می‌سازد؛ بنابراین نمی‌توان از جریمه دیرکرد این دسته از مطالبه‌ها گذشت. از طرف دیگر جریمه تأخیر تأدیه مطالبه‌های جاری که گاهی برای تأخیرهای یک روزه نیز به اجرا در می‌آید نمی‌تواند زیر این راهکار بگنجد؛ چرا که از لحاظ حقوقی این جبران خسارت فقط در زمانی صحیح است که تغییر فاحش در ارزش پول رخ داده باشد، حال آنکه بعید است مطالبه‌های جاری تحت این عنوان قرار گیرند.

رابعاً، در صورت عدم وجود شرط تغییر فاحش ارزش پول، این پرسش مطرح می‌شود که خسارت وارده به بانک - به ویژه برای مدت اندک تأخیر در تأدیه مطالبه‌های جاری - چگونه محاسبه می‌شود؟ خامساً، این راهکار تفاوتی بین افراد معسر و ناتوان که به ناچار مجبور به تأخیر شده‌اند و افراد توانا که به منظور استفاده بیشتر از وجوه دست به تخلف زده و در تأدیه مطالبه‌های ایجاد تأخیر کرده‌اند، قائل نمی‌شود.

ج) اشتراط به صورت شرط ضمن عقد

۱- شرط پرداخت جریمه دیرکرد به بانک

بعد از تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا، نظام بانکی با استناد به موافقت شورای نگهبان، متناسب با انواع قراردادهای بانکی ماده‌ای را به صورت شرط ضمن عقد، در متن قراردادهای بانکی گنجانده که در نتیجه آن مشتری به مقتضای شرط ضمن عقد متعهد می‌شود در صورت تأخیر در پرداخت بدهی مبلغی معادل دوازده درصد بدهی به عنوان جریمه تأخیر به بانک بپردازد. این راهکار با دشواری‌های زیر روبه‌رو است:

اولاً، این راهکار گرچه مورد تأیید شورای نگهبان بوده و نظام بانکی ایران به استناد آن عمل می‌کند؛ اما از جهت فقهی محل بحث است و فقیهان نسبت به جواز آن شبهه‌هایی را وارد دانسته‌اند. تحلیل فقهی این موضوع که در بحث‌های فقهی تحت قاعده «المؤمنون عند شروطهم» مطرح می‌شود، نشان می‌دهد که هر شرط ضمن عقدی که؛ اولاً، مخالف مقتضای عقد نباشد؛ ثانیاً، مخالف کتاب و سنت نباشد؛ ثالثاً، مورد توافق طرفین باشد، صحیح و مانند عقد لازم‌الوفا است (تسخیری، ۱۳۸۲، ص ۶۴).

شبهه‌های وارده به این راهکار اغلب مربوط به شرط دوم می‌شود؛ چرا که احتمال وقوع ربای قرضی یا ربای جاهلی - افزایش دین در برابر تمدید مدت - و نیز احتمال به کارگیری حيله برای دریافت ربا از جمله مواردی است که چنین شبهه‌هایی را پدید ساخته است (موسویان، ۱۳۸۴، ص ۲۷). در میان اعراب زمان جاهلیت مرسوم بوده که وقتی کسی طلبی داشت و زمان سررسید آن فرا می‌رسید به بدهکار می‌گفت: «بدهیت را می‌دهی یا که بر آن می‌افزایی (تعطی او تری)» (جوهری، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۱۴).

شیخ انصاری در مکاسب در این باره می‌گوید: «هیچ اختلافی در مسئله عدم جواز تأجیل ثمن حال به زیاده‌تر در مطلق دیون نیست؛ زیرا ریاست» (انصاری، ۱۴۱۵ق، ص ۲۲۱). صاحب‌جوهر نیز در این باره می‌گوید:

هیچ اختلاف و اشکالی در عدم جواز تأخیر قیمت مبیع و هر چیز دیگری از حقوق مالی در برابر مبلغ زیادتر وجود ندارد و به علت کتاب، سنت و اجماع، ربای حرام است؛ خواه در بیع باشد، خواه در صلح یا جعاله یا غیر آن. اگر در عقد دیگری هم شرط شود، این شرط فاسد و مفسد است و حرام را حلال نمی‌کند (نجفی، ۱۴۱۵ق، ج ۲۳، ص ۱۲۱).

به ظاهر امر عملکرد بانک‌ها در اینکه به بدهکار این اختیار عمل را می‌دهند که اصل بدهی را در سررسید تأدیه کنند یا با تأخیر؛ اصل بدهی و اضافه‌ای بر آن را پردازند به معنای امهال در ازای پرداخت اضافه است و در دایره ربای جاهلی قرار می‌گیرد. از آنجا که موضوع قراردادهای بانکی دین است یا در سررسید به دین تبدیل می‌شود ماهیت و حکم شرط گرفتن جریمه در قراردادهای گوناگون بانکی بدون تغییر باقی می‌ماند.

ثانیاً این راهکار نیز مانند راهکارهای گذشته تفاوتی بین افراد معسر و ناتوان و افراد توانا قائل نمی‌شود و همه بدهکاران در صورت تأخیر در تأدیه بدهی‌ها به جهت شرط ضمن عقدی که پذیرفته‌اند به پرداخت جریمه دیرکرد ملزم می‌شوند.

۲- شرط پرداخت جریمه دیرکرد به صندوق خیریه (تجربه کشورهای اسلامی)

در تمام قراردادها شرط ضمن عقدی درج می‌شود که اگر تسهیلات گیرنده بدون دلیل تأخیر تأدیه داشت مبلغی را به شماره حساب خیریه واریز کند. وجوه حساب خیریه صرف تسهیلات قرض‌الحسنه و ساخت مساجد و ابنیه در مناطق محروم می‌شود.

این پیشنهاد نیز با دشواری‌هایی روبه‌رو است؛ اولاً، از آنجا که جریمه دیرکرد به شماره حساب خیریه واریز می‌شود، در این روش خسارت کامل بانک‌ها و متضرر شدن آنان جبران نمی‌شود؛ ثانیاً، مانند مورد پیش دریافت جریمه تأخیر تأدیه به عنوان شرط ضمن عقد با نظر برخی فقیهان امامیه ناسازگار است؛ ثالثاً، این راهکار نیز مانند راهکارهای گذشته تفاوتی بین افراد معسر و ناتوان و افراد توانا قائل نمی‌شود؛ البته این راهکار بر مبنای تعزیر نیز پیشنهاد شده است (قری، ۱۳۸۴، ص ۱۶۶-۱۶۷) که دشواری‌های اول و سوم را در پی خواهد داشت.

۳- شرط پرداخت قرض بدون بهره

پیشنهاد دیگر آن است که گیرنده تسهیلات بانکی ضمن قرارداد شرعی مانند بیع مرابحه (فروش اقساطی)، اجاره به شرط تملیک، جعاله یا سلف متعهد شود که چنانکه در پرداخت بدهی خود تأخیر کند، به همان میزان و به اندازه همان مدت تأخیر، قرض بدون بهره در اختیار طلبکار بگذارد (زرقاء، ۱۴۱۱ق، ص ۲۵).

این پیشنهاد نیز با دشواری‌هایی روبه‌رو است. نخستین و مهمترین دشواری این است که از آنجا که شرط اعطای قرض بدون بهره از دید عرف ارزش مالی دارد و از نظر فقیهان زیاده حکمیه و ربا شمرده می‌شود، این راهکار نیز از جهت شبهه‌های شرعی شبیه راهکار شرط پرداخت جریمه دیرکرد در ضمن قرارداد است (موسویان، ۱۳۸۵، ص ۱۲۰)؛ ثانیاً، با توجه به تغییرهای ارزش پول و وجود ریسک‌های پیرامون آن، این خطر به پدید می‌آید که بدهکاران در زمانی که نرخ بهره بالاست از تأدیه بدهی‌ها امتناع کرده و در زمانی که این

نرخ پایین است به اعطای قرض - به همان میزان بدهی تأخیری و مدت تأخیر - رو آورند؛ ثالثاً، این راهکار نیز مانند راهکارهای گذشته تفاوتی بین افراد معسر و ناتوان و افراد توانا قائل نمی‌شود.

۴- شرط جایزه خوش حسابی

این پیشنهاد به این ترتیب است که سود تسهیلات مبتنی بر درصد سود متعارف تسهیلات به همراه درصدی اضافه تعیین شود. طبق شرط ضمن عقد مقرر می‌شود اگر فرد بدهکار در سررسید یا پیش آن بدهی خود را تأدیه کرد تمام درصد اضافه به وی بخشیده می‌شود و وی فقط درصد سود متعارف تسهیلات را می‌پردازد؛ اما اگر وی تأخیر داشت به اندازه تأخیر خود درصد اضافه باقی مانده و ادامه آن بخشیده می‌شود. مشخص است که هر چه میزان تأخیر بیشتر باشد، حجم بخشودگی کمتر و کمتر شده تا آنکه در یک سقف مشخص، دیگر بخشودگی وجود نخواهد داشت و فرد تأخیرکننده باید سود تسهیلات - مبتنی بر درصد سود متعارف تسهیلات به همراه درصدی اضافه - را کامل بپردازد. سقف زمانی و درصد بخشودگی به نظر بانک بستگی داشته و در شرط ضمن عقد قید می‌شود. این راهکار از حیث فقهی چالشی ندارد اما اگر قرار باشد به عنوان یگانه راهکار در نظام بانکی مورد استفاده قرار گیرد از حیث اقتصادی با دشواری روبه رو می‌شود؛ اولاً، اگر فرد بدهکار بتواند بیشتر از آن درصد اضافه، از دیون خود درآمدزایی کند، این احتمال می‌رود که با صرف نظر از جایزه خوش حسابی، درصد اضافی را متقبل شده و دیون را تأدیه نکند؛ از این رو این روش کارایی و بازدارندگی خود را از دست می‌دهد؛ ثانیاً، در این روش پس از سقف زمانی بخشودگی، بدهکار فقط مدیون به پرداخت اصل تسهیلات و سود آن - سود متعارف به علاوه درصدی اضافه شده - می‌شود و دیگر نمی‌توان مبلغ بیشتری را بنا بر تمدید تأخیر - خسارت عدم پرداخت خسارت - و به عنوان بهره بر وی تحمیل کرد. از این جهت در تأخیرهای بلندمدت، بانک با زیان روبه‌رو می‌شود.

د) تعزیر مالی فرد تأخیرکننده در تأدیه مطالبه‌ها

پرداخت به موقع بدهی از تکلیف‌های شرعی است. اگر فرد با وجود تمکن مالی تأدیه دین خود را به تأخیر اندازد مرتکب فعل حرام شده است و مطابق مبانی فقهی که در بخش

بعدی به تفصیل از آن سخن خواهیم گفت، می‌توان وی را مجازات و تعزیر کرد. اگر این مجازات و تعزیر به صورت جریمه نقدی باشد، به چند گونه قابل اجراست:

۱. حاکم شرع متناسب با مبلغ و مدت تأخیر، متخلفان را جریمه مالی کرده و مبالغ جریمه به بیت‌المال و خزانه دولت واریز شود.

۲. دولت صندوقی را پدید آورد که تمام جریمه دیرکردها به دستور محاکم قضایی در آن جمع شده و صرف کارهای خیر و کمک به نیازمندان و بدهکاران معسر شود (قری، ۱۳۸۴، ص ۱۶۷).

۳. دولت صندوقی را در حمایت از طلبکاران تشکیل دهد. این صندوق به وکالت از طرف بانک‌های طلبکار پس از دریافت اسامی بدهکاران و اسناد مالی آنان، بی‌درنگ معادل بدهی استحقاقی بانک‌ها را از محل دارایی خود به آنان پرداخته و سپس از طرف بانک‌ها وکیل در وصول اصل طلب و از طرف دولت وکیل در وصول جریمه‌های نقدی می‌شود. به این ترتیب از یک طرف فرد متخلف جریمه مالی شده و از طرف دیگر بانک‌ها بدون تأخیر به طلب خود خواهند رسید.

۴. دولت و دستگاه قضایی بر اساس قوانین و ضوابط معینی به بانک‌ها اجازه دهند افراد متخلف را متناسب با مبلغ و مدت تأخیر به نفع بانک جریمه کنند (موسویان، ۱۳۸۵، ص ۱۲۰).

۵. صندوقی تحت عنوان «صندوق تخصصی تسهیلات و وصول مطالبات» با ماهیت دولتی تأسیس شود که با کمک مقام قضایی بنا به مدت تأخیر و میزان بدهی بدهکاران، میزان جریمه تعزیری را از آنان دریافت کند؛ سپس صندوق اصل بدهی را به بانک‌ها برگردانده و جریمه تعزیری دیرکردها را به حساب خود واریز می‌کند. صندوق به بانک‌ها اجازه می‌دهد که جهت جبران تأخیر پدید آمده در بازپرداخت تسهیلات، متناسب با میزان بدهی تأخیر شده و مدت تأخیر از این صندوق وام مبتنی بر عقد قرض دریافت کند.* بانک مؤظف است بر حسب زمان مقرر، قرض دریافت‌شده را به صندوق بازپرداخت کند. صندوق مجاز است حق‌الوکاله خود را متناسب با هزینه‌های متحمل‌شده جهت احیای بدهی‌ها و جریمه‌های تعزیری از حساب پیش‌گفته برداشت کند (قلیچ، ۱۳۹۴، ص ۱۶).

* ضروری است در اوایل شروع به کار این صندوق، اعتباری از سوی دولت به صورت قرض در این صندوق سپرده شود تا امکان وام‌گیری از این صندوق در این دوران فراهم شود. بدیهی است به مرور زمان و با انباشت شدن جریمه‌های تعزیری، صندوق می‌تواند قرض دولت را برگرداند.

این راهکارها در عین داشتن نقاط قوت با یکسری نقاط ضعف نیز روبه‌رو هستند:

۱. از آنجا که جریمه تعزیرات به طلبکار داده نمی‌شود در روش‌های اول و دوم با واریز این مبلغ به حساب بیت‌المال یا صندوق‌های خیریه، خسارت بانک‌های طلبکار که در اثر تأخیر در تأدیه مطالبه‌ها به آنان وارد آمده به هیچ عنوان جبران نمی‌شود و این امر از سودآوری و کارایی بانک‌ها می‌کاهد.

۲. در روش سوم که بانک‌ها در صورت رویارویی با تأخیر بازپرداخت بدهی‌ها بی‌درنگ طلب خود را از صندوق گرفته و دریافت اصل بدهی و جریمه دیرکرد از بدهکاران را به صندوق وامی‌گذارند، این خطر وجود دارد که این بانک‌ها به علت اطمینان‌داشتن از آنکه پرداخت به موقع یا با تأخیر بدهی‌ها هیچ خللی به کار آنان وارد نمی‌سازد؛ اولاً، در دریافت ضمانت و وثیقه از مشتریان دقت کافی از خود نشان ندهند یا با زدوبند کردن با برخی از مشتریان بدحساب یا پرریسک، آنان را مشمول اعطای تسهیلات قرار داده و در زمان سررسید با خیالی آسوده معادل بدهی را بی‌درنگ و به‌طور مستقیم از صندوق گرفته و احیای اصل بدهی و جریمه دیرکرد آن را بر دوش صندوق دولتی محول سازند؛ ثانیاً، این احتمال وجود دارد که با شروع بحران و رکود اقتصادی و افزایش حجم مطالبه‌های معوق، میزان تعهدهای صندوق بالا رفته و این صندوق با ریسک نقدینگی روبه‌رو شود. این مشکل تا حدودی برای روش پنجم نیز صادق است.

۳. روش چهارم از این حیث که جریمه‌های تعزیری به جای بیت‌المال به نفع بانک ضبط می‌شود از لحاظ جواز شرعی محل تردید جدی است (موسویان، ۱۳۸۵، ص ۱۲۰).

۴. گرچه در تمام این روش‌ها - به جز روش چهارم - بین موارد اعسار و ورشکستگی با دیگر موارد فرق گذاشته می‌شود و فرد تأخیرکننده می‌تواند با شواهد و قرینه‌هایی که به محاکم قضایی ارائه می‌کند ناتوانی و اعسار خود را ثابت کرده و جریمه‌های دیرکرد وی بخشیده شود اما در روش چهارم که تعزیری مبتنی بر تفویض اختیار به خود بانک‌هاست، چنین امکانی وجود ندارد. به عبارتی در حالی که تناسب خطا - تعمدی یا سهوی بودن تأخیر، توانا و ناتوان بودن متخلف و ... - و نوع و میزان تعزیر بسیار مهم است، بانک‌ها تفکیکی در این‌باره انجام نداده و حکم تعزیری مبنی بر جریمه دیرکرد را به‌طور یکسان برای همه تأخیرکنندگان به اجرا در می‌آورد که این با روح تعزیرات هم‌خوانی ندارد.

۵. اگر از اجرای تعزیرات به عنوان یگانه راهکار برای جریمه تأخیر تأدیه استفاده شود، برای مطالبه‌های جاری در این روش‌ها - به جز روش چهارم - تشکیل پرونده و اعمال تعزیر از سوی مقام قضایی چندان به صرفه نخواهد بود (همان، ص ۱۲۱).

۶. در اغلب این روش‌ها به ویژه روش پنجم، جریمه تعزیری افرادی که در تأدیه تسهیلات، مبالغ کم یا در مدت زمان‌های کوتاه مدت تأخیرهای داشته‌اند با ماهیت تعزیر هم‌خوانی ندارد. افزون بر این تعزیر حکمی است که باید فرد به فرد بررسی شود و نمی‌توان حکم مشابهی را برای تعزیر همه تأخیرکنندگان صادر کرد.

بسته راهکار پیشنهادی

با توجه به راهکارهای ارائه شده مشخص می‌شود که این راهکارها گاهی چالش‌های فقهی جدی داشته و آن مواردی که جواز فقهی برای استفاده از آنان وجود دارد از حیث کارآمدی و جبران خسارت‌های بانک ضعف دارند؛ از این رو در ادامه با استفاده از راهکارهایی که جواز شرعی دارند مانند گرفتن وثیقه، جایزه خوش‌حسابی و جریمه تعزیر مالی فرد تأخیرکننده، بسته ترکیبی را به صورتی پیشنهاد می‌دهیم که از کارآمدی اقتصادی خوبی داشته و نقاط ضعف روش‌های پیشین را همراه خود نداشته باشد. این بسته به‌طور اجمالی عبارت است از:

الف) بانک با استفاده از سامانه‌ای اطلاعاتی، امکان اعتبارسنجی و شناسایی سوابق تسهیلاتی متقاضیان تسهیلات و ضامن‌های آنان به منظور دریافت وثیقه و تضمین‌های معتبر و نیز فراهم‌ساختن فرصت به اجرا گذاشتن وثیقه‌ها و تضمین‌ها جهت بازگرداندن دیون به عنوان راهکار واپسین را فراهم می‌سازد. با استفاده از این سامانه اطلاعاتی، تنظیم نرخ سود تسهیلات به تناسب ریسک مشتریان و فراهم‌آوردن تخفیف‌های تشویقی به مشتریان معتبرتر توصیه می‌شود.

ب) در قراردادهای مرابحه و جعاله بانک سود تسهیلات را $i+j$ درصد در نظر می‌گیرد که i درصد سود متعارف و j درصد سود قابل بخشودگی - جایزه خوش‌حسابی - است. طبق شرط ضمن عقد مقرر می‌شود که چنانکه فرد در سررسید یا زودتر تأدیه مطالبه‌ها را انجام داد، j درصد بخشوده می‌شود و فقط i درصد را پرداخت می‌کند؛ اما چنانکه تأخیر

داشت به ازای تعداد روز تأخیر (a روز) تا سقف n روز، معادل $\frac{a.j}{n}$ را افزون بر i درصد پرداخت و مابقی بخشوده می‌شود.

در عقدهایی مانند استصناع و سلف نیز می‌توان قیمت و ثمن قرارداد را بالاتر در نظر گرفت و در صورت تأدیه به موقع بدهی از مبلغ اقساط کسر شود. در قراردادهای مشارکتی نیز سهم بانک از سود بیشتر مقرر شود و در صورت انجام به موقع پروژه و ایفای تعهدهای مشتری، این سهم کاهش یافته و به نفع مشتری در نظر گرفته شود.

ج) با تأخیر در تأدیه مطالبه‌های کلان‌تر و طولانی‌مدت‌تر با ارسال پرونده به وسیله بانک به مقام قضایی - پیشنهاد پدید ساختن شعبه‌های ویژه قضایی مطالبه‌های بانکی - امکان تعزیر مالی بدهکار و جبران خسارت بانک - در صورت بروز تورم فاحش* - فراهم می‌شود. در این حالت به حکم مقام قضایی و بنا بر جرم نقض عهد، فرد بدهکار افزون بر رد اصل بدهی و سود تسهیلات، مبلغی را با هدف اجرای مجازات و با عنوان جریمه تعزیری پرداخت می‌کند. اصل بدهی به بانک طلبکار رسیده و جریمه تعزیری در حساب جداگانه‌ای از بیت‌المال ذخیره می‌شود. در صورتی که در مدت تأخیر تأدیه مطالبه‌ها، تورم فاحشی رخ داده باشد، خسارت مرتبط از بدهکار دریافت و به بانک طلبکار پرداخت می‌شود.

با توجه به شرایط خاص حکم تعزیر در مبانی اسلامی و اینکه تعزیر باید فردی و نه جمعی بررسی شود، می‌توان تعزیر تأخیرهای کمتر از یک سال را بخشید و جریمه آنان را فقط در راهکار قبل (مورد ب) تعقیب کرد. بدیهی است تخلف‌های کلان‌تر و طولانی‌مدت‌تر برای اجرای حکم تعزیر بیشتر مساعد به نظر می‌رسد. در ادامه مبانی فقهی و سازوکار اجرایی - با جزئیات بیشتر - تشریح می‌شود.

مبانی فقهی

۱. مبانی فقهی جایزه خوش‌حسابی

* فاحش بودن تورم بنا به نظر عرف و دادگاه تعیین می‌شود.

این راهکار از حیث مشروعیت فقهی با مشکلی روبه‌رو نیست؛ چرا که در صورت تأخیر بیش از مبلغ قرارداد از بدهکار مبلغ اضافی دریافت نمی‌شود اما اگر خوش حساب بود و در زمان مقرر بدهی خود را پرداخت کرد به وی تخفیف داده می‌شود و اکثریت فقیهان اعم از امامیه و عامه تخفیف پرداخت دیون در صورت تعجیل را مجاز می‌دانند و گنجاندن این شرط در متن قرارداد نیز بی‌مانع است (معصومی‌نیا، ۱۳۸۵، ص ۱۴۲-۱۴۳).

در منابع فقهی این قاعده با عبارت «ضَعُ وَ تَعَجَّلْ» از مبلغ کم کن و در پرداخت نسبت به سررسید تعجیل کن» مصطلح است و از لحاظ فقهی جواز و مشروعیت دارد؛ البته این شرط مطابق قاعده «المومنون عند شروطهم» نیز خواهد بود. طبق قاعده پیش گفته طرفین قرارداد می‌توانند در قرارداد شرط‌هایی را بگنجانند. در صورتی که این شروط با شرع و ماهیت عقد مخالفی نداشته باشد، عمل به آن واجب است. با توجه به اینکه چنین شرطی مخالفتی وجود ندارد و مطابق توافق طرفین است، به نظر می‌رسد راهکار پیشنهادی از جهت فقهی از اشکال عاری بوده و مشروعیت لازم را داشته باشد.

۲. مبانی فقهی تعزیر مالی

از مهم‌ترین معانی اصطلاحی تعزیر ردع، منع و بازداشتن است. این معنا به حدی گسترده است که هر گونه تأدیب مجازات را شامل می‌شود. برای همین در برخی از روایت‌ها به جای کلمه تعزیر از کلمه تأدیب یا مجازات استفاده شده است (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۸، ص ۴۹۸). تعزیر در اصطلاح فقهی به معنای مجازات نامعین است و این قید نامعین می‌باشد که آن را از حدود، قابل تشخیص می‌سازد (محقق حلّی، ۱۳۶۸، ج ۴، ص ۱۳۶؛ طباطبایی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۴۵۹).

طبق نظرهای فقهی هر کسی که کار حرامی را مرتکب شود یا کار واجبی را ترک کند بر امام، تعزیرش تا اندازه‌ای که به حد نرسد جایز است و تعیین میزان تعزیر بر عهده امام است. این بیان تحت عنوان قاعده «کل من فعل محرماً او ترک واجباً کان للامام تعزیره» معروف است. فقیهان تمام گناهان شرعی را قلمرو مجازات تعزیر می‌دانند و تعزیر را در موارد منصوص و در موارد اعمال حاکمیت، جایز بر می‌شمارند (محقق حلّی، ۱۳۶۸، ج ۴، ص ۱۸۷/ طوسی، ۱۴۲۸ق، ج ۵، ص ۴۱۲/ صافی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۳۹). همچنین وجوب تعزیر

در هر کار حرام را چنان که مرتکب با نهي و توبيخ و امثال آن بازداشته نشود، امری آشکار می‌دانند (اصفهانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۰، ص ۵۴۴).

تعزیر می‌تواند از نوع جریمه مالی نیز باشد. با نگاهی به نصوص و روایت‌ها در می‌یابیم که سابقه مجازات مالی در سنت معصومان به اندازه کافی موجود است (قراملکی و حمیدی، ۱۳۹۱، ص ۱۴۸). تعیین تعزیر مالی برای فرد متخلف باید به صلاح‌دید و تشخیص حاکم اسلامی انجام شود. فقیهان به ویژه فقیهان معاصر، حاکم اسلامی را در تعیین نوع مجازات تعزیری صاحب اختیار دانسته و صلاح‌دید حاکم اسلامی را به عنوان معیار تعیین نوع مجازات تعزیری بیان کرده‌اند (موسوی خویی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۴۲۶). مطابق این دیدگاه حاکم اسلامی می‌تواند هر نوع مجازاتی را که متناسب با تخلف رخ داده است و متخلف را از تکرار یا ادامه آن باز می‌دارد تعیین کند.

با بیان این مقدمه‌ها به بحث مورد نظر یعنی تأخیر تأدیه دین خواهیم پرداخت. مطابق متون دینی کسی که قدرت پرداخت دین را دارد باید دین خود را بپردازد و بی‌جهت تأخیر نکند و اگر چنین کند، مرتکب ظلم و خیانت شده است. در حقیقت پرداخت بدهی واجب و عدم پرداخت آن ظلم و جرم است؛ به‌طور نمونه، در روایتی پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «تأخیرانداختن پرداخت بدهی از طرف بدهکاری که توان مالی دارد، ظلم است» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۸۰).

هارون بن عمرو المجاشعی از امام رضا ﷺ از پدرانش از حضرت علی ﷺ نقل می‌کنند که پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «مسامحه و ممانعت کسی که به پرداخت بدهی خود قادر است، آبرو و مجازات وی را حلال می‌کند» (بروجردی، ۱۴۲۹ق، ص ۷۱۹).

بنابراین روایت‌ها کسی که قدرت پرداخت دین را دارد، باید دین خود را بپردازد و بی‌جهت تأخیر نکند و اگر چنین کند، مرتکب ظلم و خیانت شده است؛ بنابراین تأخیر بدهکار توانا در تأدیه دین جرم و مجازات‌بردار است و قاضی می‌تواند وی را مجازات و تعزیر کند (رضایی، ۱۳۸۰، ص ۳۸).

جرم‌بودن تأخیر در پرداخت به دو دلیل قابل اثبات است: ۱. به دلیل روایت‌های خاصی که ممانعت و تأخیر در پرداخت بدهی را ظلم و جور می‌دانند و مجازات آن را تعزیر اعلام می‌کند. ۲. عموم روایت‌هایی که مرتکبان خلاف شرع را مستحق مجازات و تعزیر می‌دانند

و از آنجایی که تأدیه دین از واجب‌های الاهی و تکلیف‌های شرعی است، عدم تأدیه دین مجازات‌بردار و قابل تعزیر است؛ البته اگر بدهکار با پذیرش شرط ضمن عقد خود را متعهد به پرداخت بدهی در سررسید مشخص کند، مطابق قاعده «المومنون عند شروطهم» نیز نسبت به ادای بدهی در آن زمان تکلیف شرعی دارد. در صورت عمل نکردن به تکلیف خود مرتکب کار حرام شده است. افزون بر این، حفظ نظم و نظام حکومت اسلامی - به ویژه عدم اختلال در نظام پولی و مالی حکومت اسلامی به عنوان یکی از مهم‌ترین نظام‌های استوارکننده حاکمیت - نیز از مهم‌ترین واجب‌های شرعی است. بر طبق این مبنا دولت اسلامی می‌تواند تأخیرکنندگان از پرداخت بدهی بانک‌ها و مؤسسه‌هایی را که باعث اختلال در نظام مالی جامعه می‌شوند، جریمه نقدی کند (موسویان، ۱۳۸۵، ص ۱۱۹).

با توجه به اینکه ظاهر عبارت‌های فقیهان امامیه بر توجه کردن به جرم ارتكابی و شخصیت مجرمان دلالت دارد (طوسی، ۱۴۲۸ق، ج ۸، ص ۶۶-۶۹ / قرشی، ۱۴۰۸ق، ص ۱۹۱) محاکم قضایی در تعزیر مالی مشتریان پیمان‌شکن نیز باید با رعایت تناسب بین مبلغ و مدت تأخیر با میزان جریمه، متخلفان را مجازات کند و مبالغ گرفته‌شده را به بیت‌المال و صندوق دولت واریز کند.

البته در تعیین جریمه می‌توان مواردی مانند سابقه و کارنامه ایفای تعهدها را نیز مد نظر قرار داد. گرچه فرد خوش سابقه‌ای که بدهی اندکی را برای مدت کمی با تأخیر پرداخت کرده و فرد بدسابقه‌ای که طلب بزرگی را برای مدت فراوانی تأخیر تأدیه کرده هر دو دچار نقض عهد شده‌اند اما قاضی می‌تواند بنا به تشخیص و مصلحت‌سنجی مقدار جریمه متفاوتی را برای هر یک مقرر بدارد. قاعده «الاسهل فالاسهل» و رعایت مراتب تعزیر نیز اقتضا می‌کند قاضی ضمن توجه به بازدارنده بودن مجازات از روش‌های گوناگونی مانند اخطار شفاهی و کتبی تا تعزیر مالی و پرداخت جریمه استفاده کند؛ البته در مواردی که تأخیر مشتری به اختلال نظام پولی و صدمه جدی به نظام اسلامی بینجامد قاضی می‌تواند از تعزیرهای سنگین‌تر مانند حبس و تازیانه نیز استفاده کند.

۳. مبانی فقهی خسارت نبودن عدم النفع

بیان شد که اگر در فاصله سررسید تا پرداخت بدهی، فاصله و تأخیری پدید آمد اما ارزش واقعی پول کاهش محسوس و فاحشی نداشت، صرف عدم نفع باعث اثبات خسارت نشده و قابل جبران نیست؛ به طور مثال، اگر بدهکار بانکی سه سال دین خود را به بانک تأدیه نکرد و در این سه سال تورم فاحشی که ارزش پول را به طور محسوس تحت الشعاع قرار دهد بروز نکند، نمی توان عدم دسترسی به مبلغ بدهی در این مدت را برای بانک خسارت محاسبه کرد. عمده ترین دلیل فقیهان برای حکم به عدم ضمان، قاعده لاضرر است که شمول آن را نسبت به مورد عدم النفع و ضمان مالی حاصل از آن نپذیرفته اند. آنان باور دارند هر چند روایت لاضرر به سند صحیح به وسیله زراعه از امامان معصوم علیهم السلام و به اسناد دیگری نقل شده و مورد قبول فقیهان قرار گرفته است اما دلالت روایت بر مسئولیت مدنی و ضمان مالی صحیح نیست.

مهم ترین اشکال هایی که از سوی مشهور فقیهان وارد شده عبارت است از اینکه عنوان ضرر بر عدم النفع صدق نمی کند تا مشمول قاعده لاضرر شود؛ البته در برخی موارد به ویژه در مواردی که سود متوقع هست مانند حبس سرمایه یک تاجر این حکم در بین فقیهان محل اختلاف است؛ اما مطابق نظر مشهور اگر قاعده لاضرر در فرض مورد بحث جریان یابد، نتیجه آن جعل حکم خواهد بود؛ زیرا بر اساس آن عدم حکم به ضمان باعث ضرر است؛ پس به ضمان حکم می کنیم تا ضرر مرتفع شود در حالی که روایت لاضرر نافی احکام ضرری است و نقش بازدارنده دارد؛ بنابراین می توان به استناد آن جعل حکم ضمان کرد. در حقیقت مفاد قاعده، نهی تکلیفی، از ایراد خسارت به دیگران است و دلالت بر حکم وضعی ضمان ندارد. قاعده لاضرر، نفی ضرر در مرحله قانون گذاری است؛ در حالی که در خسارت مالی، حکم شارع به عدم ضمان، باعث ورود خسارت نمی شود؛ بلکه کار شخص خاطی زیان آور است (محقق داماد، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۶۷ / مراغی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۳۱۰ / نراقی، ۱۳۷۵، ص ۵۰).

از نظر قاعده تسبیب نیز چون مالی بالفعل تلف نشده از جریان آن جلوگیری کرده اند؛ اما درباره قاعده اتلاف، جریان آن در محل بحث بعید است؛ زیرا محور این قاعده، مال

است (من اتلف مال الغیر) و منفعت، مال نیست و اتلاف و تفویت منفعت مورد ندارد؛ بنابراین اجرای قاعده در محل بحث جایز نیست (همان).
از مجموع این دلایل می‌توان نتیجه گرفت که خسارت عدم‌النفع ضمان‌آور نیست و دریافت هر چیزی اضافه بر مبلغ اصلی دین، تحت این عنوان مشروع نیست. دریافت خسارت تأخیر تأدیه نیز به عنوان مصداقی از خسارت عدم‌النفع و با این توجیه که باعث تفویت منافی از طلبکار شده، غیرمجاز است. درباره قراردادهای بانکی نیز اگر چه تأخیر بدهکار در پرداخت به موقع بدهی باعث از دست‌دادن منافی می‌شود که بر اثر جریان پول مورد تعهد می‌توانسته نصیب وی شود اما نمی‌توان این منافع را برای بانک قطعی‌الحصول دانست؛ بنابراین منافع تفویت‌شده ناشی از تأخیر تأدیه ضرر شمرده نمی‌شود؛ در نتیجه جبران آن منتفی می‌شود.

سازوکار اجرایی

سازوکار اجرایی این راهکار پیشنهادی به شرح زیر است:

۱. استفاده از سامانه‌ای اطلاعاتی سوابق تسهیلاتی نظام بانکی که در آن وضعیت تأدیه مطالبه‌های بانکی تسهیلات‌گیرندگان ثبت می‌شود.*
۲. متقاضی دریافت تسهیلات به بانک مورد نظر خود مراجعه کرده و بانک پس از استعلام وضعیت سوابق تسهیلاتی متقاضی از سامانه‌ای پیش گفته، متناسب با سابقه ایفای تعهدها در سری تسهیلات گذشته و میزان تسهیلات درخواستی در نوبت جاری، میزان وثیقه‌ها و ضمانت‌های لازم را به وی اعلام می‌دارد.
۳. متقاضی دریافت تسهیلات مطابق اعلام بانک، وثیقه‌ها و ضمانت‌های لازم را تهیه و تحویل داده و تسهیلات را دریافت می‌دارد.
۴. چنانکه تسهیلات‌گیرنده در تأدیه مطالبه‌های بانکی تأخیر کند، بانک وضعیت تأخیری وی را به سامانه‌ای اطلاعاتی سوابق تسهیلاتی نظام بانکی اطلاع می‌دهد. بدیهی است تأخیرهای صورت‌گرفته بر اساس مدت تأخیر و حجم بدهی‌ها باعث ثبت امتیاز منفی در کارنامه وی در این سامانه اطلاعاتی می‌شود.**

* شرکت مشاوره رتبه‌بندی اعتباری ایران - سامانه ملی اعتبارسنجی - می‌تواند این مسئولیت را ایفا کند.

** وقتی مجموع امتیازهای منفی از یک حد معینی بیشتر شد، فرض اخلال‌کردن تسهیلات‌گیرنده در نظام

۵. بانک سود تسهیلات را $i+j$ درصد در نظر می‌گیرد که i درصد سود متعارف و j درصد سود قابل بخشودگی - جایزه خوش‌حسابی - است. طبق شرط ضمن عقد مقرر می‌شود که چنانکه فرد در سررسید یا زودتر تأدیه مطالبه‌ها را انجام داد j درصد بخشوده می‌شود و فقط i درصد را پرداخت می‌کند؛ اما چنانکه تأخیر داشت به ازای تعداد روز تأخیر (a روز) تا سقف یک سال* معادل $\frac{aj}{360}$ را افزون بر i درصد پرداخت و بقیه بخشوده می‌شود.
۶. در صورت عدم مراجعه بدهکار ظرف مدت هدفگذاری شده، بانک می‌تواند از اهرم تضمین‌ها و وثیقه‌های گرفته‌شده جهت اجبار به پرداخت وی استفاده کند.
۷. با تأخیر در تأدیه مطالبه‌های کلان‌تر و طولانی‌مدت‌تر بانک با ارسال پرونده بدهکار به مقام قضایی - با پدید ساختن شعبه‌های ویژه قضایی مطالبه‌های بانکی - امکان تعزیر مالی بدهکار و جبران خسارت خود را - در فرض تورم فاحش - فراهم می‌کند. در این حالت به حکم مقام قضایی و بنا بر جرم نقض عهد، فرد بدهکار افزون بر رد اصل بدهی و سود تسهیلات، مبلغی را با هدف اجرای مجازات و با عنوان جریمه تعزیری پرداخت می‌کند. اصل بدهی به بانک رسیده و جریمه تعزیری در حساب جداگانه‌ای از بیت‌المال ذخیره می‌شود. بدیهی است تخلف‌های کلان‌تر و طولانی‌مدت‌تر برای اجرای حکم تعزیر بیشتر مساعد به نظر می‌رسد. با توجه به راهکار جایزه خوش‌حسابی و شرایط خاص حکم تعزیر در مبانی اسلامی و اینکه تعزیر باید فردی و نه جمعی بررسی شود، می‌توان تعزیر تأخیرهای کمتر از یک سال را بخشید و جریمه آنان را فقط در راهکار جایزه خوش‌حسابی تعقیب کرد.**
۸. در صورتی که بدهکار به علت شرایط عسر و حرج در پرداخت مطالبه‌های بانکی تأخیر داشته باشد، می‌تواند با اثبات ادعای خود نزد مقام قضایی جریمه خود را تغییر دهد.
۹. در صورتی که در مدت تأخیر تأدیه مطالبه‌ها، تورم فاحشی رخ دهد، خسارت مرتبط از بدهکار دریافت و به بانک طلبکار پرداخت می‌شود.

بانکی کشور قوت گرفته و می‌توان وی را مشمول احکام تعزیرات مالی سنگین‌تر دانست.

* مدت زمان یک سال پیشنهاد نویسندگان بوده و به عنوان مثال بیان شده است. بدیهی است این زمان می‌تواند به صلاح دید بانک تغییر کند.

** لازم است در قرارداد به صراحت شرط شود که روش تعزیر مالی برای مشتریانی استفاده می‌شود که تأخیر آنها بیش از یک سال - بنا به فرض مسئله - است. این مشتریان ضمن پرداخت تمام خسارت‌های بانک در روش اول - سود قابل بخشش بانک - باید غرامت و جریمه تعزیری نیز پرداخت کنند.

ارزیابی راهکار پیشنهادی

این پیشنهاد مزیت‌های زیر را دارد:

۱. تعبیه راهکار جایزه خوش‌حسابی، باعث بازدارندگی تأخیرهای کوتاه‌مدت شده - فیلتر اول - و تعبیه راهکار تعزیری باعث بازدارندگی تأخیرهای کلان‌تر و طولانی‌مدت‌تر می‌شود - فیلتر دوم - انتظار می‌رود این راهکارها افراد جامعه را نسبت به ایفای تکلیف شرعی خود یعنی ادای به موقع بدهی بیشتر متعهد سازد.
۲. در این راهکار جریمه‌های مالی که بر اساس احکام تعزیرات از تأخیرکنندگان دریافت شده است، به جای حساب طلبکاران مستقیم به حساب دولتی واریز شده و شبهه شرعی‌ای باقی نمی‌ماند.
۳. از آنجا که میزان وثیقه‌ها و ضمانت‌های لازم برای دریافت تسهیلات پس از استعمال وضعیت کارنامه تسهیلاتی متقاضی از سامانه اطلاعاتی سوابق تسهیلاتی، متناسب با سابقه ایفای تعهدها در سری تسهیلات گذشته و میزان تسهیلات درخواستی در نوبت جاری تعیین می‌شود، احتمال دریافت وثیقه‌ها و ضمانت‌های ضعیف به وسیله بانک به حداقل می‌رسد.
۴. بر اساس وضعیت کارنامه مشتریان در سامانه‌ای اطلاعاتی سوابق تسهیلاتی، افراد خوش‌حساب و بدحساب تفکیک شده؛ سپس با بهره‌گیری از سیاست‌های تشویقی برای مشتریان خوش‌حساب و سیاست‌های تنبیهی برای مشتریان بدحساب، میزان مطالبه‌های معوق بانکی طی زمان رو به کاهش می‌گذارد. این روش باعث می‌شود که مشتریان در تأدیه مطالبه‌ها در سررسید و حفظ سابقه و اعتبار کارنامه خود کوشا باشند.
۵. با توجه به قاعده فقهی «عدم النفع لیس بالضرر»، خسارت بانک فقط در شرایط بروز تورم فاحش و کاهش ارزش پول به‌طور محسوس قابل جبران است. از این جهت این روش مشابه روش دریافت خسارت است؛ اما به علت اعمال راهکارهای جایزه خوش‌حسابی و اعمال تعزیرات حقوقی و ثبت نمره منفی در کارنامه تسهیلاتی بدهکاران، بازدارندگی این روش پیشنهادی به مراتب بیشتر از روش دریافت صرف خسارت تأخیر تأدیه ارزیابی می‌شود.
۶. با توجه به تشکیل کارنامه تسهیلاتی و امکان استفاده از قاعده «الاسهل فالاسهل» برای تعزیرات بیشتر، قدرت بازدارندگی راهکار پیشنهادی مناسب به نظر می‌رسد.
۷. از آنجا که مقام قضایی تعزیرات مطالبه‌های بانکی مرجعی تخصصی بوده، بدهکاران

ورشکسته، معسر و ناتوان می‌توانند با اثبات اعسار و عدم تقصیر خود در این مرجع قضایی، ضمن بخشودگی جریمه دیرکرد، مشمول قوانین امهال یا تخفیف بدهی شوند؛ از این‌رو امکان منفک‌شدن تأخیرکنندگان معسر از تأخیرکنندگان توانا فراهم می‌آید.

۸. با توجه به شدت نیاز بدهکاران معسر می‌توان پیشنهاد داد که با استفاده از منابع جمع‌آوری شده در حساب دولتی تعزیرات، به این بدهکاران معسر و ناتوان که اعسار خود را به اثبات رسانده‌اند با رعایت شرایط احتیاطی و نظارتی، وام قرض‌الحسنه اعطا شود. با اجرای این پیشنهاد، جریمه‌های تعزیری می‌تواند گره‌ای از کار نیازمندان و ورشکستگانی که به نظام بانکی مدیون هستند را رفع کند.

۹. از نقاط ضعف این روش آن است که مانند بیشتر راهکارهای پیشین، تشکیل پرونده قضایی برای وصول اصل بدهی‌های کلان‌تر و طولانی‌مدت‌تر به انضمام جرایم دیرکرد، فعالیتی زمان‌بر و مشکل‌است؛ البته دولت و نظام بانکی می‌توانند با اهرم‌هایی مانند سیاست‌های تشویقی و تنبیهی و لحاظ کردن وضعیت کارنامه مشتریان به منظور اعطای تسهیلات در زمان‌های آتی، افراد را تا حد امکان از تأخیر در تأدیه مطالبه‌ها و قضایی شدن امور بر حذر دارند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در مقاله پیش رو پس از بیان پیشینه تحقیق به وضعیت آماری مطالبه‌های غیرجاری در ایران پرداخته شد. در ادامه تاریخچه‌ای از مناقشه‌های صورت‌گرفته در نظام بانکی کشور درباره جواز و عدم جواز دریافت جریمه دیرکرد بازپرداخت تسهیلات بانکی توضیح داده شد، سپس توجیه‌ها و ادله جواز یا عدم جواز دریافت این جریمه طرح شد. در ادامه انواع راهکارهای ارائه‌شده به وسیله محققان برای معضل چالش‌برانگیز جریمه تأخیر تأدیه بیان شد و هر یک جداگانه نقد و بررسی شد. در پایان راهکار ترکیبی بر اساس پدید آمدن سامانه اطلاعاتی، استفاده از جایزه خوش‌حسابی و اعمال تعزیرات قانونی پیشنهاد شد. این روش افزون بر آنکه مزیت‌های روش‌های پیشین را دارد، دشواری‌ها و نواقص آنان را به حداقل رسانده و ضمن داشتن جواز شرعی، کارآمدی و قدرت بازدارندگی و قابلیت تفکیک بین مشتریان معسر و توانا را دارد.

به‌طور حتم این راهکار پیشنهادی، قابلیت اصلاح و تقویت بیشتر را در خود دارد. از این‌رو امید می‌رود کارشناسان امور پولی و بانکی با ارائه پیشنهادها و نقطه نظرهای سازنده خود به تکمیل و تقویت این راهکار و اجراسازی آن یاری رسانند.

منابع و مأخذ

۱. اصفهانی، بهاء‌الدین محمد؛ **کشف اللثام**؛ قم: مکتب آیت‌الله المرعشی رحمته‌الله، ۱۴۰۵ق.
۲. انصاری، مرتضی؛ **کتاب المکاسب**؛ قم: کنگره بزرگداشت شیخ اعظم انصاری رحمته‌الله، ۱۴۱۵ق.
۳. آیین‌نامه وصول مطالبه‌های سررسید گذشته، معوق و مشکوک الوصول مؤسسات اعتباری (ریالی و ارزی)، ش ۱۵۳۹۶۵/ت/۱۴۹۸هـ-۱۳۸۸/۸/۳.
۴. بروجردی، سیدحسین؛ **جامع احادیث شیعه**؛ تهران: فرهنگ سبز، ۱۴۲۹ق.
۵. تسخیری، محمدعلی؛ «شرط کیفری مالی در بانکداری بدون ربا»؛ **فصلنامه فقه اهل بیت علیهم‌السلام**، س ۹، ش ۳۵، ۱۳۸۲.
۶. جواهری، حسن محمدتقی؛ **الربا فقهياً و اقتصادياً**؛ قم: انتشارات خیام، ۱۴۰۵ق.
۷. حرّ عاملی، محمدبن‌حسن؛ **وسایل الشیعه**؛ بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۹ق.
۸. رضایی، مجید؛ «بررسی فقهی - حقوقی جرمه تأخیر»؛ **فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی**، س ۲، ش ۶، ۱۳۸۰.
۹. زرقاء، محمد انس؛ «جبران زیان دیرکرد در بدهی بین فقه و اقتصاد»؛ **مجله اقتصاد اسلامی**، جده: جامعه ملک عبدالعزیز، ۱۴۱۱ق.
۱۰. شیخ صدوق، محمدبن‌علی؛ **من لا یحضره الفقیه**؛ چ ۲، قم: انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.

۱۱. صافی گلپایگانی، لطف‌الله؛ التعزیر انواعه و ملحقاته؛ قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۴ق.
۱۲. طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن؛ اللبسوط؛ قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۲۸ق.
۱۳. قرشی، محمدبن احمد؛ معالم القربه فی احکام الحسبه؛ تحقیق محمد محمود شعبان و صدیق احمد عیسی المطیعی، بیروت: مکتبه الاعلام الاسلامی؛ ۱۴۰۸ق.
۱۴. قری‌بن‌عید، محمدعلی؛ «مشکلات بانک‌های اسلامی و راه‌حل آنها»؛ ترجمه غلام‌رضا مصباحی‌مقدم، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، س ۵، ش ۲۰، ۱۳۸۴.
۱۵. قلیچ، وهاب؛ «راهکاری نوین برای رفع چالش تأخیر تأدیه در بانکداری بدون ربا»؛ مجموعه مقالات بیست و ششمین همایش بانکداری اسلامی، تهران: مؤسسه عالی آموزش بانکداری ایران، ۱۳۹۴.
۱۶. محقق حلّی، جعفر بن حسن؛ شرایع الاسلام؛ ترجمه ابوالقاسم بن احمد یزدی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۸.
۱۷. محقق داماد، سید مصطفی؛ قواعد فقه، بخش مدنی؛ تهران: سازمان سمت، ۱۳۷۴.
۱۸. مراغی، سید میر عبد الفتاح؛ العناوین الفقهیة؛ ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۱۹. مظهر قراملکی، علی و محمد رضا حمیدی؛ «بررسی مشروعیت مجازات مالی»؛ فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، س ۸، ش ۲۸، ۱۳۹۱.
۲۰. معصومی‌نیا، غلام‌علی؛ «تخفیف مبلغ بدهی در دیون مدت‌دار کاهش مدت سررسید»؛ فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، س ۸، ش ۲۴، ۱۳۸۵.

۲۱. ملاکریمی، فرشته، «بررسی روش‌های حل معضل تأخیر تأدیه در نظام بانکداری بدون ربای ایران با تکیه بر تجارب بانک‌های اسلامی»، مجموعه مقالات بیست و ششمین همایش بانکداری اسلامی؛ تهران: مؤسسه عالی آموزش بانکداری ایران، ۱۳۹۴.

۲۲. موسوی بجنوردی، سیدمحمد؛ «مشروعیت خسارت تأخیر تأدیه»، فصلنامه پژوهشنامه متین، س ۵، ش ۱۹، ۱۳۸۲.

۲۳. موسوی خویی، سیدابوالقاسم؛ صراط النجاه (حواشی تبریزی)؛ قم: نشر المنتخب، ۱۴۱۶ق.

۲۴. موسویان، سیدعباس؛ «بررسی راهکارهای حل مشکل تأخیر تأدیه در بانکداری بدون ربا»، فصلنامه علمی پژوهشی فقه و حقوق، س ۲، ش ۸، ۱۳۸۵.

۲۵. ———؛ «بررسی فقهی حقوقی قوانین مربوط به جریمه و خسارت تأخیر تأدیه در ایران»، فصلنامه علمی پژوهشی فقه و حقوق، س ۱، ش ۴، ۱۳۸۴.

۲۶. نجفی، محمدحسن؛ جواهرالکلام؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۵ق.

۲۷. نراقی، ملااحمد؛ عواید الایام فی بیان قواعد الاحکام؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی